

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۶۰

۱۳۹۵ / ۰۴ / ۲۱

■ ضرورت حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

■ تلاش برای برآورده شدن دعا‌های شب قدر

■ چند نکته‌ی شیطانی

۱. نباید شیطان را دست‌کم گرفت

۲. شیطان تحت اراده خداوند است

۳. شیطان همواره دشمن انسان بوده است

۴. شیطان، عابد کهنه‌کار

۵. فرشتگان در مقابل شیاطین هستند

■ نکات پایانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

ضرورت حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

نکته‌ای که یادآوری آن به خودم و شما لازم است این است که بعد از ماه مبارک رمضان، باید مراقب باشید آنچه را به دست آوردید، از دست ندهید و به دست خودتان آنچه را فراهم کردید، نابود نکنید. این آیه‌ی نورانی در سوره‌ی مبارکه‌ی نحل آمده است که: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَقَتْ غَزَلُهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَأُوا» [۲] و مانند آن [زنی] که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام و استواری وامی تابانید، نباشید». در گذشته برخی خانم‌ها کارشان نخ ریسیدن بود، با وسایل خاصی، پنبه‌ها را تبدیل به نخ می‌کردند و با زحمت فراوان یک پنبه را به نخ محکم تبدیل می‌کردند. از کارهای پر رنج و پر زحمت و حوصله‌بر بود. حکایت کسی که با وقت گذاشتن و صرف عمر و تلاش و

تبریک عرض می‌کنیم به همه‌ی دوستان، توفیق پشت سر گذاشتن ماه مبارک رمضان و عید سعید فطر را که روز تکبیر است؛ به خاطر بهره‌مندی از هدایت الهی و این تکبیر، تکبیر فتح است. یکی از جاهایی که تکبیر وارد شده، روز فتح و پیروزی است. کسی که در انجام فرمان خدای متعال موفق شده، در واقع از ظفر و فتح و پیروزی بهره‌مند شده است و آیه‌ی کریمه هم همین را می‌گوید: «وَلِتَكْبَرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ» [۱] و خدا را به پاس آنکه رهنمونتان کرده است، به بزرگی بستابید»

رنج بردن به موفقیتی می‌رسد، اما به هر دلیلی آن را از دست می‌دهد، حکایت کسی است که این نخ ریسیده‌شده را باز کند و از بین ببرد! این شخص سر جای اول بر نمی‌گردد؛ چراکه آن عمر و انرژی و حوصله را چه می‌شود کرد؟! این تصویری است که قرآن کریم از چنین شخصی جلوی چشم ما می‌گذارد و بعد خطاب به من و شما می‌گوید: «وَلَا تَكُونُوا» یعنی چنین نباشید. این هشدار بعد از دستیابی به هر موفقیت و کامیابی است. ماه خدا بارتان را سبک کرد، فطرت‌تان را متجلی کرد، دلتان را به آستان ملکوت الهی نزدیک ساخت، انس با حضرت حق را برای شما پیش آورد، اراده و عادت‌های خوب را در شما تقویت کرد. موفقیت در خواندن قرآن و حسن خلق و صله رحم

و افطار دادن و استغفار و مسجد رفتن و همکاری‌های اجتماعی، نشان‌دهنده موفقیت معنوی شما بود. حالا شما مثل کسی شده‌اید که این پنبه‌ها برای او رشته شده و یک محصول عالی از این چیزهای پراکنده برایش فراهم شده است. قرآن کریم هشدار می‌دهد که این کلاف موفقیت‌ها و کامیابی‌های معنوی و عرفانی و روحانی را به دست خود زائل نکنید و از بین نبرید. انسان خردمند وقتی به یک تجربه‌ی موفق و کامیابی دست پیدا می‌کند که در معرض خطر تاراج است و کسانی می‌خواهند آن را از او بگیرند، عمده‌ی توجه او می‌شود حفظ این گوهر تا آن را از دست ندهد و وقتی خود را در معرض انواع و اقسام دزد و غارتگر می‌بیند، بیشتر احساس نگرانی می‌کند؛ لذا ایمنی‌بخشی

انسان خردمند نگران از دست دادن چیزهایی است که به دست آورده؛ لذا به ساحت الهی پناهنده می‌شود و از خدای متعال کمک می‌خواهد و به درگاه الهی می‌آید و از حضرت حق تمنا می‌کند. هر چه عقل انسان قوی‌تر و پخته‌تر و شکوفاتر شود، نگرانی او برای حفظ دستاوردهای گوناگون زندگی‌اش بیشتر می‌شود. هنر انسان خردمند حفظ دستاوردها است و اگر نتوانید دستاوردها را حفظ کنید، نمی‌توانید پیشرفت متوازن داشته باشید و به فتح قله‌ها نمی‌رسید و دائماً در معرض جلو رفتن و عقب آمدن هستید. اگر شما سر جای اول یا قبل از آنجا برگردی که برایت پیشرفت حاصل نشده است. از ام سلمه، همسر پیامبر عظیم‌الشان نقل شده است که می‌گوید: نیمه‌شب بلند

به آنچه به آن رسیده است، برای او اولویت می‌شود. قرآن کریم در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، حکایت انسان‌های خردمند را نقل می‌کند و از قول آنان می‌فرماید: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ [۳] پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری». خدایا! ما بعد از هدایت، گرفتار گمراهی نشویم. ما از نور مغفرت و کرم تو در ماه رمضان بهره‌مند شدیم و این نور و معنویات در معرض تاراج است. این عادات خوب و مهربانی و احسان به دیگران و آرزوهای نورانی، نکند که از دست برود؟!

شدم و هر چه دنبال حضرت

بودم، ایشان را پیدا نکردم. در

نهایت دیدم در میان یک عبا

به هم پیچیده و در حال سجده

و ضجه است. حرفش در سجده

این است: «اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّي

صَالِحَ مَا أَعْطَيْتَنِي أَبَدًا، اللَّهُمَّ

وَلَا تُرِدِّنِي فِي سُوءِ اسْتَنْقَدْتَنِي

مِنْهُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي

إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ [۴]

خدایا! چیزهای خوبی که به من

دادی، هرگز از من نگیر. خدایا!

از بدی‌ای که مرا از آن نجات

دادی، هرگز وارد نکن. خدایا! مرا

لحظه‌ای به خودم وامگذار». ام

سلمه به گریه افتاد و به پیامبر

گفت: پس تکلیف ما چیست

وقتی که شما این‌طور ضجه

می‌زنی؟ بعد حضرت آن جواب

عجیب را دادند و فرمودند: «أَفَلَا

أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ آیا بنده

شکرگزاری نباشم؟». این، ادب

بندگی است.

تلاش برای برآورده شدن دعاهای شب قدر

انسان باید از ظرفیت خرد برای

حفظ دستاوردها بهره‌مند شود و

این مسئله باید دستور کار انسان

مؤمن بعد از هر فتح و ظفر و

گشایش باشد. هر چه از سوی

حق باشد، لطف حضرت حق

است و باید آن را حفظ کرد و

مقدرات ليله القدر را هم باید به

دست بیاوریم. بهترین‌ها برای

شما مقدر شده است؛ منتها باید

استحصال شود. الان بهترین‌ها

را نوشته‌اند و این نوشتن، به

اراده‌ی شما گره خورده است.

انسان زیرک کسی است که

پسا رمضان و بعد از ماه مبارک

رمضان، همیشه دنبال حفظ

آنچه به دست آورده و استخراج

گنجینه‌های ليله القدر باشد. الان

به اسم شما در فلان جای عالم سند زده‌اند، اما از آن هیچ بهره‌ای نمی‌برید. اتفاق شب قدر هم از این قبیل است. نوشتن در شب قدر یعنی در دسترس شما قرار گرفته و حال باید بروید و آن را به دست آورید. خیلی از مؤمنین بعد از شب قدر می‌گویند: الحمدلله خیال ما راحت شد؛ احیا گرفتیم و دعا کردیم و دعاها هم مستجاب است. ماه هم که ماه کرم است؛ بیشتر از آنچه خواستیم برای ما نوشتند. این افراد وارد حالت انتظار می‌شوند؛ اما قاعده این است که پس از شب قدر، خواسته‌هایت را دنبال کنی.

چند نکته‌ی شیطانی

۱. نباید شیطان را دست کم گرفت

بحث ما در دعای هشتم صحیفه‌ی

صندوق ذخیره‌ی شما خیلی پر و پیمان است و نباید آن را به دست شیطان بدهید. اگر این صندوق ذخیره‌ی شما به دست شیاطین نیفتد و فعال شود، وضعیت بسیار خوبی را به دست خواهید آورد. آرزوهای را که در شب قدر داشتید، حالا باید پیگیری کنید و برای فیض سحر و انس با قرآن و خدمت به خلق خدا و... برنامه‌ریزی کنید. حالا وقت دنبال کردن است.

بعضی‌ها خیال می‌کنند آنچه در شب قدر نوشته شد، خودش انجام می‌شود. بعضی چیزها خودبه‌خود می‌رسد: یکی اجل و دیگری رزق؛ ولی بقیه موارد را باید دنبال کنی و با برنامه‌ریزی و تدبیر و اقدام و عمل به آن بررسی. اگر شما بهره‌برداری نکنید، از دسترس شما خارج می‌شود. فرض کنید صد هکتار زمین

سجادیه به عوامل بیرونی رسید که باید از آنها به خدای متعال پناه ببریم.

سه تا چیز کنار هم قرار گرفته است: اول تسلط شیطان؛ دوم اسارت به دست زمان؛ سوم له شدن به دست سلطان.

بحث شیطان دست‌کم گرفته

می‌شود. خدا مرحوم علامه طباطبایی (رحمه الله) را رحمت کند که در کتاب المیزان فرموده است: ما این بحث را خیلی

دست‌کم گرفته‌ایم، درحالی‌که

مسئله‌ی بسیار جدی است. هر

وقت جلسه‌ای در مورد شیطان و

شگردهای او گرفته می‌شود، آن

ملعون خیلی ناراحت می‌شود.

از قرآن کریم معلوم می‌شود که

همه‌ی ما شیطانی داریم که دائماً

درصدد دست‌اندازی به ما است.

همچنین از قرآن کریم استفاده

می‌شود که رئیس الشیاطین،

ابلیس است که ذریه و فرزند و قبیله مفصلی دارد. تعبیر «هُوَ وَ قَبِيلُهُ» [۵] او و قبیله‌اش» نشان می‌دهد که ابلیس، قبیله دارد. در جایی دیگر هم کلمه ذریه [۶] آمده است که معلوم می‌شود زاد و ولد دارد و شیطانک‌ها فراوان هستند.

غرض اینکه چه آن ملعون ارشد و چه اینهایی که اطراف ما هستند، خیلی نگران می‌شوند که درباره‌ی آنها صحبت شود.

کلمه‌ی «استحوذ» از قرآن کریم

گرفته شده است: «إِسْتَحْوَذَ

عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ

اللَّهِ» [۷] شیطان بر آنان چیره شده

و خدا را از یادشان برده است».

این کلمه که به قول طلبه‌ها

به صورت بدون اعلال استعمال

شده، به معنای غلبه است. پشت

پای شتر را حوذ می‌گویند که

ساربان برای راه بردن شتر از آن

عَلَيْمٌ: [۸] به خدا پناه بر، که او شنونده و دانا است». به عبارتی می‌شود گفت «وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ» در برگرفته‌ی همه‌ی موارد قبلی است که در صحیفه، از آن به خدا پناه می‌بردیم. همه‌ی آفت‌های فکری و اخلاقی و عملی، دستور کار شیطان و وسیله‌ی شیطان برای ضربه به انسان است. در موارد قبلی تأکید بر آن امور به مناسبت نسبتشان با خودمان بود؛ اما وقتی از شیطان می‌گوییم، موجودی است که این امور را تسهیل و تزیین می‌کند و پیش می‌برد و فعال می‌کند. خود شیطان هم یک واژه‌ی بسیار پر کاربرد است که در قرآن کریم در مورد ذات و ماهیت و شگردها و فلسفه وجودی و روش اقدام و لشکریانش صحبت شده است. علامه تعجب می‌کنند که چرا

استفاده می‌کند. گویا شیطان، ساربان اشخاص گمراه شده است. ساربان با تلنگرها و ضربه‌هایی که می‌زند، شتر می‌ایستد و می‌رود و سرعت پیدا می‌کند و می‌دود. شیطان دقیقاً همین عملیات را در مورد انسان انجام می‌دهد. کلمه‌ی استحوذ به معنای غلبه و مسلط شدن است.

ما در صحیفه می‌گوییم: «وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ» به تو پناه می‌بریم از اینکه شیطان بر ما غلبه کند و مسلط شود. خود کلمه‌ی شیطان هم به معنای شیریر و بسیار پلید است. این جمله صحیفه، همان «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است که در بین ما شناخته شده است. استعاذه؛ یعنی پناه بردن به شیطان؛ همان چیزی که خدا فرمود: «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ

درباره اینها بحث نشده است. حقیقتاً حضرت علامه خیلی خوب به جوانب آیات شیطان پرداخته‌اند.

مسئله خیلی جدی است و از همان ابتدای سوره‌ی بقره، بحث شیطان مطرح می‌شود و حتی مثل اعلای «مغضوب علیهم و لا الضالین» خود شیطان است. رد پای مسائل مربوط به شیطان در همه جای قرآن کریم آمده است.

آیاتش هم آیات تکان‌دهنده‌ای است که با هشدار آمیخته است و شما را با یک دشمن بسیار جدی و قسم‌خورده و پا به رکاب و فعال مواجه می‌کند که دارای عوامل و لشکر و شگردهای خطرناک است. دائماً قرآن کریم این مسائل را مطرح و معرفی می‌کند.

مؤمنین باید در شیطان‌شناسی قوی شوند و این، از آیات

کریمه‌ی قرآنی احساس می‌شود. در روایات و کلمات اولیای خدا هم مطالب فراوانی در این باره آمده و بحث مفصلی شده است. ما در این بحث کوتاه و مختصر نمی‌توانیم همه ابعاد قضیه را بکاویم و بنا نداریم مطلب را به صورت تفصیلی بررسی کنیم؛ اما چند جمله می‌گویم و بحث را در جلسه‌ی آینده هم دنبال می‌کنم.

۲. شیطان تحت اراده خداوند

است

شیطان هم در جریان نظام احسن خلقت است و این طور نیست که خلقت دو قطبی باشد؛ بلکه فقط یک اراده و آن هم اراده‌ی حضرت حق جریان دارد. شیطان در این مشیت الهی نقش دارد و نقش او هم موافق حکمت است. اگر شیطان (اعم از جن و انس) نباشد، عملاً توازن جریان

آرزو ایجاد می‌کند. به رغم اینها، مؤمن بی‌اعتنا به شیطان، صراط مستقیم را در پیش می‌گیرد و هر جا که نزدیک است از صراط مستقیم خارج شود، به خودش می‌آید و توبه و استغفار می‌کند. بنابراین فلسفه‌ی وجودی شیطان با دستگاه هدایت و ضلالت، اختیار انسان و نظام احسن کاملاً هماهنگ است.

۳. شیطان همواره دشمن انسان

بوده است

از قرآن کریم استفاده می‌شود که شیطان از روز اول خلقت انسان و در مجلس آفرینش انسان، در موضع دشمنی همه‌جانبه با انسان قرار گرفته و اذن خواسته که اذن هم به او داده شده است و اولین ضربه را هم به پدر و مادر ما زد. همانجا هم اعلام کرد که من در پی گمراهی نسل آدم هستم و از هیچ تلاشی برای اغوای آنها

آفرینش انسان و اهدافش به هم می‌ریزد. شیطان بخشی از نظام احسن است و تعبیر قرآن کریم خیلی جالب است که ما شیطان را وسیله‌ی آزمایش قرار دادیم. انتخاب انسان وقتی معنی پیدا می‌کند که شما علاوه بر صراط مستقیم، سبل متفرقه داشته باشید. اگر ما باشیم و صراط مستقیم، دیگر چه اختیاری و چه انتخابی؟! از این راه‌های انحرافی تعبیر به شیطان می‌شود. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ»؛ [۹] چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است». هر لحظه برای شما این امکان هست که از صراط مستقیم خارج شوید. شیطان امر می‌کند، نهی می‌کند، تهییج می‌کند، وسوسه می‌کند و

فروگذار نخواهم کرد. خدای متعال این دشمنی شیطان را با ما اعلام می‌کند. در ادبیات قرآن کریم، شیطان از جن معرفی شده، منتها به انس هم تعمیم شده است. جن، یعنی پنهان و مخفی و مستور. البته در بین انسان‌ها نیز امتداد دارد و کسانی هستند که همان نقش را در اغواگری و تسهیل و تزیین و ایجاد انحراف بازی می‌کنند. در واقع کارگزاران شیطان در بین انسان‌ها هستند.

خدای تبارک و تعالی، شیطان را به عنوان دشمن رسمی انسان معرفی می‌کند و تعبیر قرآن کریم این است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» [۱۰] در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید». آدم با دشمنش که نباید رفیق شود. از «فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» استفاده می‌شود که خیلی از ما آدم‌ها، شیطان را دشمن خودمان نمی‌دانیم و با او دوستی می‌کنیم و هر وقت شما از این دشمن غافل شوید، ضربه می‌خورید.

اگر او را دشمن خود بدانید، برای مقابله‌ی با او طراحی می‌کنید و حواستان را جمع می‌کنید. یک تعبیر دیگر هم در قرآن کریم هست که خیلی جالب است: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ» [۱۱] ای فرزندان آدم زهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند». شیطان از ریشه با شما دشمنی داشته و دشمنی آبا و اجدادی دارد. آن بهستی که پدر و مادر ما آنجا بودند، دنیایی بوده و آن بهشت موعود نبوده، اما شرایط خاصی داشته و مملو از امکانات

و زیبایی‌ها بوده است. حضرت آدم نزد اولیای خدا خیلی محترم است و صفی‌الله است و پیش خود خدای متعال هم جایگاه ویژه‌ای دارد. از حرف‌هایی که در شعرها گفته می‌شود، به اشتباه نیفتید؛ همواره باید موضع ما نسبت به حضرت آدم و حوا، احترام باشد و توسل به حضرت آدم و حوا خیلی جواب می‌دهد. مقبره‌ی حضرت مادر در جده است و جده را به همین دلیل جده نامیدند؛ چراکه به معنای مادر بزرگ است. قرآن می‌گوید شما باید مثل کسانی که با کسی کینه و دشمنی عمیق دارند، با شیطان دشمنی داشته باشید و مواظب باشید که شما را فریب ندهد. حضرت علامه آنجا مفصل به این موضوع می‌پردازد. حضرت علامه خیلی روح آزاد و نافذی

دارد و چه حظی از معنویت و عرفان و عشق الهی دارد! بعد از انبیا و اولیا اینها حجت هستند و وجود چنین کسانی در محیط‌های زندگی ما حجت است. گاهی من برداشت‌های حضرت علامه را از وحی و قرآن کریم می‌بینم، مات و مبهوت می‌مانم که خدا به این مرد چه داده است!

۴. شیطان، عابد کهنه‌کار

در سوره مبارکه اعراف، آیات ۱۶ و ۱۷، مسئله‌ی شیطان و اغواگری او مطرح شده است. ملعون بی‌ادب به خدا گفته است: «فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي؛ اکنون که مرا گمراه ساختی». این حرف، عمق خباثت و بی‌ادبی او را نشان می‌دهد. کسی که از دایره‌ی حق خارج شد، چقدر خبیث می‌شود! امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: شیطان، سابقه‌ی شش هزارساله‌ی عبادت در دستگاه

دارد و سراغ انسان‌ها می‌آید و با تأکید هم می‌آید. «مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ»، از همه طرف سراغ انسان‌ها می‌آید. «وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»، ملعون بی‌ادب می‌گوید: خواهی دید که بیشتر انسان‌ها شکرگزار تو نخواهند شد.

۵. فرشتگان در مقابل شیاطین

هستند

به ازای این نیروی قوی جدی اغواگر، خدای متعال برای جنابعالی، نیروهای بسیار قوی و جدی هدایت‌کننده قرار داده است که فرشتگان گرامی و کریم و بزرگوار هستند. ملائکه در مقابل شیطان قرار می‌گیرند و به سمت شما می‌آیند تا شما را نگاهدارند.

اگر شیاطین انس، در قالب طاغوت، وسط میدان اغواگری

حضرت حق دارد و معلوم نیست که این سال‌ها از سال‌های زمینی است یا آسمانی. استاد ما می‌گفتند که تمام فوت و فن‌ها را می‌داند و تو اگر در قله‌ی عبادت هم قرار بگیری، بلد است که چگونه تو را به پایین پرت کند. شیطان، عابد کهنه‌کار است. او در حلقه‌ی مقربین بوده و با فرشتگان مقرب، در جلسه‌ی سجده بر آدم حضور داشته است.

اطاعت نکردن، او را به این روز انداخته و خارج شدن از دایره‌ی اطاعت الهی و کبر و غرور در مقابل امر الهی، باعث شد که این قدر کثیف شود.

آیه ۱۶ سره اعراف، سخن شیطان را این‌گونه نقل می‌کند: «فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»، من سر راه مستقیم تو

می‌نشینم، یعنی کمین می‌کنم. «ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ»، یعنی برنامه‌ریزی

ما است. قرآن کریم از همین طراحی‌های ذهنی ما استفاده کرده و میوه‌های درخت جهنمی را به رؤوس الشیاطین تشبیه کرده است.

۲. خدای متعال در جواب مهلت‌خواهی شیطان گفت: «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ [۱۲] تا روز معین معلوم». گفته‌اند، منظور روز ظهور است. روزی که هدایت عظمای کبری طلوع می‌کند و بشر به رشد عقلی عالی خودش دست می‌یابد، شیطان از کار می‌افتد. البته بعضی‌ها گفته‌اند «وقت معلوم» همان روز قیامت است و همان وقتی است که خود شیطان درخواست کرده بود.

۳. شیطان به دلیل شناختی که از طبع انسانی داشت، می‌دانست که سر دوراهی‌ها و جاذبه‌ها و کشش‌ها می‌لغزد؛ لذا گفت

و در امتداد شیطان جن حرکت می‌کنند، خداوند متعال در مقابلشان، سلسله‌ی جلیله‌ی انبیا را قرار داده است که جانشان را می‌دهند تا شما را هدایت کنند. درون خود شما نفس «اماره» است که با شیطان هماهنگ است و طرف دیگر هم عقل قرار دارد که با هدایت الهی سازگار است. پس کسی گله‌مند نشود که خدا ما را وسط شیاطین رها کرده است. فرشته‌های قرین، همیشه با شما هستند و باید با آنها رفاقت داشته باشید.

نکات پایانی

۱. ما در برابر جریان فرشته‌ها، از شیاطین تعبیر به لطیف نمی‌کنیم. البته در تصویرهای ذهنی ما شیطان، یک چهره‌ی کریه و زشت و دندان‌های کشیده و... دارد! ولی اینها خیالات

اکثرشان را گمراه می‌کنم. آیات کریمه دیگر مثل «اکثرهم لایشکرون»، تأیید می‌کند که ظاهراً این سخن شیطان محقق خواهد شد.

۴. در روایات است اینکه در آیه ۱۷ سوره اعراف، چهار جهت گفته شد و «فوق» و «تحت» گفته نشد، ناظر به این است که تحت انسان ناظر به سجده و فوق او ناظر به دعا است و در این دو حال، شیطان امکان مداخله‌گری ندارد؛ لذا فرموده‌اند زیاد سجده کنید.

۵. همان‌طور که بین مؤمنین، صلح و سلم و آرامش حاکم است، جماعتی که خارج از صراط مستقیم هستند، حالت عداوت و بغضاء دارند و این جنسی از عذاب است؛ برای همین لازم نیست عنصری بیرونی به نام شیطان، در بین آنان مداخله داشته باشد.

۶. شیطان در جدول نظام احسن، جای خودش را دارد. جمله‌ای را بعضی از اهل الله برای تقریب به ذهن گفته‌اند که نباید از آن استفاده تقدیسی شود. مثلاً گفته‌اند: شیطان سگ درگاه خدا است که غریبه‌ها را می‌گیرد! جایی که سگ دارند، هنگامی که غریبه‌ای وارد می‌شود، شروع به فریاد کشیدن می‌کند و حالت حمله به خود می‌گیرد. اینها می‌گویند نقش شیطان در دستگاه الهی مثل سگ است و کاری به آشنا ندارد، فقط غریبه‌ها را می‌گیرد. این یک تشبیه است برای تقریب به ذهن.

اما اینکه می‌گویند شیطان مأموریت الهی دارد، حرف بسیار غلط و زشتی است؛ چراکه او امر به فحشا و منکر می‌کند. چنانچه این مسئله را

شکر است. گاهی برخی می‌خواهند برای روشن شدن مطلبی، مثال بزنند، اما مثالشان از یک جهت مقرب است و از دهها جهت مبعَد (دورکننده).

این حرف‌ها را هر جا شنیدید، به دیوار بکوبید؛ چراکه هیچ ربطی به قرآن و دستگاه الهی و هندسه‌ی قرآنی ندارد و شیطان در فرهنگ قرآن، ملعون و رجیم است.



بپذیریم، باید قائل شویم که نستجیر بالله خدا امر به فحشا و منکر می‌کند! درحالی‌که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَآيَاتِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»؛ [۱۳] در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی‌دارد». اینکه شیطان مأذون است، غیر از این است که مأمور است.

۷. این‌گونه نیست که شیطان بتواند بر خلاف اراده خداوند فعالیت کند. چنین فرضی همان فرض خلقت دوقطبی و اهورامزدا و اهریمن است که خلاف توحید است.

آنها که جبری مسلک هستند، چنین حرف‌هایی می‌زنند. نتیجه چنین فکری آلوده شدن به

منابع و مأخذ

- [۱]. بقره: ۱۸۵.
- [۲]. نحل: ۹۲.
- [۳]. آل عمران: ۸.
- [۴]. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۴.
- [۵]. اعراف: ۲۷.
- [۶]. «فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي؛ همگی سجده کردند، جز ابلیس - که از جن بود - و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال)، او و فرزندان‌ش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید؟!». کهف: ۵۰.
- [۷]. مجادله: ۱۹.
- [۸]. اعراف: ۲۰۰.
- [۹]. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
- [۱۰]. فاطر: ۶.
- [۱۱]. اعراف: ۲۷.
- [۱۲]. ص: ۸۱.
- [۱۳]. نحل: ۹۰.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر